

راز عصمت زن

«عصمت» از جمله معانی منقرض شده و بلکه منفور در عصر جدید است که بدتر از همه در جامعه دینی ما منفورتر از جاهای دیگر جهان است. بنده از نزدیک در آمریکا شاهد فرقه‌هائی در مسیحیت بودم که زناش مطلقاً مو و صورت خود را آرایش نمی‌کردند و لاک نمی‌زدند. ولی افسوس که در جامعه ما عصمت نمایشی ریائی - اکراهی - حکومتی است و مفهومی منفور قلوب همه مردمان!

عصمت یعنی محافظت و حراست کردن از باطن خویش! و این حراست از درب‌های ورودی به باطن می‌باشد. درب شنوائی که به ذهن مربوط می‌شود. درب بینائی که به دل راه دارد و درب گفتاری که به وجدان و نفس ناطقه جریان می‌یابد و درب تن که جان را حراست می‌کند.

هرکسی که از این چهار راه عصمت وارد باطن می‌شود تبدیل به یک شیطان انسی یعنی خناس می‌گردد و در باطن اهلش مقیم می‌شود و او را شبانه روز تسخیر نموده و تحت تأثیر خود به فعالیت می‌کشد که نابودکننده رابطه زناشوئی است که بخصوص رابطه جنسی را به زنا و فساد می‌کشد یعنی در هر رابطه‌ای با همسر همه این خناسان فعال می‌شوند و زناى باطنی واقع می‌شود: «ای زنان مؤمنه از زناى ظاهر و باطن بپرهیزید!» قرآن -

از آنجا که زن دارای موجودیتی پذیرنده است به آسانی هر نامحرمی را به خود راه می‌دهد اگر این درب‌های عصمت را حراست و مراقبت نکند. همه زندگی‌های زناشوئی قربانی این زناهای باطنی هستند که عاقبت به زناى ظاهری می‌انجامد. کسی که به مثابه یک خناس باطنی در باطن زنی حضور دارد در بیرون از او نیز به آسانی بر او مسلط می‌شود و زن را توان مقاومت نیست.

پذیرندگی زن برجسته‌ترین هویت و مغز زنانگی اوست که کمالش در پذیرش نطفه مرد و خلق یک انسان جدید در خویشتن است. همین موجود پذیرنده خلاق اگر دارای عصمت نباشد می‌تواند نفس خود را تبدیل به کارخانه خلق لشکریان شیطان سازد و شهری را به تباهی بکشد. یعنی سوءاستفاده زن از این پذیرندگی خلاقش او را جهنمی‌ترین و منفورترین موجود تاریخ بشر ساخته و همه انبیاء و اولیاء و عرفا و علمای بزرگ درباره رذالت‌ها و شرارت‌هایش سخن نموده‌اند. اینکه گفته شده عقل و ایمان زن ناقص است از همین روست. و اینست که خداوند او را تحت قیومیت و کفالت و ولایت مردی قرار داده است که اگر آن را نپذیرد تبدیل به کارگاه خلق لشکریان شیطان شده و خودش یک شیطان مجسم می‌گردد.

عصمت و بی‌عصمتی امری صرفاً اخروی نیست بلکه حیات دنیوی را نیز تباه و ویران می‌سازد و عذاب عظیمی برای بی‌عصمتان مهیا می‌کند که قابل وصف نیست. چه عذابی بدتر از این که حتی لحظه‌ای نتوانی با خودت باشی و با کسی که دوستش داری صادقانه زیست کنی و دوستش بداری. بی‌عصمتی بزرگترین نعمت خدا یعنی محبت و عشق زناشوئی را حرام می‌سازد و تبدیل به دوزخ می‌کند. آتش جهنم از هیزم بی‌عصمتی مشتعل می‌شود. عذاب النار، عذاب بی‌عصمتی است.

و اما زنی که مردستیز است و از پذیرش ولایت شوهرش اکراه دارد و احساس حقارت می‌کند اگر سر تا پایش را بپوشاند و زاهد و عابد باشد باز هم قادر به حفظ عصمت باطنی خویش نیست و بزودی عصمت ظاهریش را هم بنگاه در یک دامگه شیطان از دست می‌دهد. و چه عذابی بدتر از این برای زن!

تمدن مدرن، تمدنی ضد عصمت و ضد ولایت زناشوئی است و لذا بر همین اساس منقرض و نابود می‌گردد همان‌طور که علائم این نابودی در سراسر جهان دیده می‌شود.

مردستیزی زن عین خود - براندازی اوست و فمینیسم عین نبرد جنون آمیز با هویت زنانه است و حتی جنسیت زنانه! اینست که گله گله فمنیست‌ها تغییر جنسیت می‌دهند و اعضای تناسلی خود را تبدیل می‌کنند و تبدیل به موجوداتی عقیم و برزخی و جثی می‌شوند. این غایت بی‌عصمتی و جنگ با عصمت است: خودکشی و نابودگری!

و اینک سکولارهای مذهبی و لائیک اعم از ملاً و روشنفکر و حقوق بشری گروه گروه به این گله‌های جثی و عقیم ملحق می‌شوند تا از قافله تمدن عقب نمانند و جنگ خود با دین و اسلام (و نه جنگ با ملایان حکومتی) را راز پیشروی خود در این تمدن جهنمی سازند و رهبری این جهنم را برعهده گیرند. زیرا آنقدر که این جماعت سنگ تبدیل جنسیتی و بی‌عصمتی و استحاله جنسی را به سینه می‌زند خود این جنیان بشرنما ادعا ندارند و غرق در انواع عذاب جان می‌کنند و آخرین راه نجات خود را خودکشی و مرگ می‌دانند: ننگ بر این شیاطین روشنفکر و فیلسوف‌نمای مدعی دروغین حقوق بشر و آزادی و دموکراسی!

عصر مدرنیته یکسره بر بی‌عصمتی زن بنا شده است و ورود زن به عرصه کارهای مردانه و صنایع و امور اداری آن‌هم با حداکثر کار و حداقل مزد به همراه عرضه بدن خود به مردان بالای سرش! زنی نبوده و نیست که در این عرصه توانسته باشد که عصمت خود را در حداقل حراست از تن خویش، حفظ کرده باشد. و فقط زنانی توانستند در این عرصه بمانند که از عصمت خود به کلی دست کشیده باشند و با رؤسای خود بخوانند و در بازار سکس آزاد فنا گردند و همسر و فرزندان و خانه و خانواده را تنها دشمن خوشبختی خود بدانند و عاقبت به جنسیت خود به جنگ بپردازند و خود را مثله کنند و در جهنم تجزیه شوند و در طبقات زمین ترکیب و مسخ گردند در حیات اخروی و پس از مرگشان!

آری امروزه سخن گفتن از عصمت در معنای حقیقی و کاملش مستلزم جهاد اکبر و عرفان نفسی بلاانقطاع است و روزافزون! و این خاص مؤمنین خالص و متقین عارف است که از یاران امام زمان محسوب می‌شوند و با او محشورند در لحظه به لحظه زندگانی!

در عصر تکنولوژیسم و اصالت فناوری روزافزون که همان واقعه برون افکنی و تجسم نفسانیت و امارگی نفس است حفظ عصمت عین حفظ و حراست از دل و روح و وجدان خویشتن است در حصار و تهاجم شبانه روزی اجنه و شیاطین و خناسانی که از طریق ماهواره‌ها و امواج الکتریکی و تلفن همراه بر دل و جان آدمی می‌بارند. و این در حکم یک رسالت و برگزیدگی به درگاه خداوند است و برآستی مصداق حمل آتش بر کف دستان است و روشن نگاه داشتن شمعی در زیر آب و نسوختن در قلب دوزخ آخرالزمان! اینست عصمت!

زن، تجسم باطن مرد است و مقیم دل اوست یعنی فرمانده کل قوای جسمانی و روحانی اوست. پس اگر این زن فاقد عصمت و ضد آن باشد وجود مردش را به مهلکه می‌کشاند و قربانی بولهوسی‌های خود می‌سازد. پس مرد مؤمن اگر چنین زنی را از دل و زندگی خود بیرون نسازد هم خود و هم زنش را نابود کرده است.

در اینجا از عصمت مرد سخن نگفتیم چرا که زن مظهر و مصدر عصمت مرد است و راه و روش و رفتارش باز زنش نشان دهنده عصمت و بی‌عصمتی اوست. زیرا هر چه که با زنش باشد با خود است. و بی‌تردید مرد هرزه و بی‌عصمت قادر به زیستن با زنی با عصمت نیست: پاکان با پاکان ازدواج می‌کنند و ناپاکان هم با ناپاکان!

اینست که امروزه برای زنان جهان، امر ازدواج و تشکیل خانواده همچون بزرگترین کابوس است. و لذا ترجیح می‌دهند که نیاز جنسی خود را در بازار آزاد تأمین کنند و چون به سن کهولت رسیدند از جایی به طریقی فرزندی بیاورند تا سرگرمی دوران بازنشستگی و زباله‌دان نفسشان گردد و نهایتاً یک بچه ننه غول و دیوانه تحویل جامعه شود که ادامه دهنده راهشان باشد که بی‌تردید یک موجود عقیم و واژگونه است و خود برانداز! برای این زنان، بچه جایگزین شوهری است که نتوانستند به تمام و کمال او را ببلعند. و لذا چنین بچه‌هائی موجوداتی بلیعه شده و نابوده‌اند که فقط استحقاق تبدیل شدن به اجنه و شیاطین را دارند تا لشکریان انسی شیطان را در آخرالزمان مهیا کنند.

زنی که دلش در گرو و اطاعت همسری مؤمن نباشد رعایت عصمت در نزد او محال‌ترین امور است حتی اگر زنی عابد و زاهد و با نقاب باشد تازه یک شیطان پنهان و در کمین است. از این‌روست که شهرهای مذهبی ما از هر حیث فاسدترین شهرها شده‌اند.

زنی که با شوهر پاک و مؤمنی زندگی می‌کند ولی در ولایت و اطاعتش نباشد تدریجاً به‌سوی کینه و عداوت با او می‌رود و عاقبت هویت جعده‌گری می‌یابد. و بر چنین مردی واجب است که هر چه زودتر قبل از وقوع فاجعه‌ای او را طلاق دهد.

عصمت زن همان جوهره و نور حیات و هستی زنانه اوست و بدون آن موجودی سیاه و ثقیل و شقی می‌شود و در دام شیاطین انسی و جنی مسخ می‌گردد. زیرا زن قلب و روح عریان مرد است که تجسم یافته است پس نیازمند حراست از خویشتن است.

مرد مؤمن تنها مردی است که چون دارای قلبی زنده و روحانی است می‌تواند همسرش را عاشقانه دوست بدارد. حال اگر همسر چنین مردی کافر و عدو از آب درآید این مرد در دوزخی مرگبار جان می‌کند و لذا طلاق هم برای چنین مردی یک مرگ بزرگ است که اگر طلاق منصفانه باشد به حیات و هستی برتر و خلق جدیدی وارد می‌شود که اجر این طلاق است.

منشأ باطنی و محور همه بی‌عصمتی‌های هرانسانی و بخصوص زنان همانا اراده به ریاست و ریا و رؤیت است که همه مشتقاتی از دیدن و دیده شدن و خودنمائی به روش‌های مصنوعی و کاذب و ریاکارانه است. ریاست اجتماعی - سیاسی هم به معنای غایت دیده شدن است از جانب گروهی که تحت فرمان فرد رئیس قرار دارند و محو تماشای او هستند و از او دستور می‌گیرند تا آنها هم بیشتر دیده شوند. و این در رأس همه معاصی و گناهان و تلاش‌های ناحق و مکارانه بشر کافر قرار دارد که برای جماعت زنان شاهراه تباهی و فحشاء و بی‌عصمتی می‌باشد.

ثروت پرستی و قدرت پرستی هم اگر جهت ریاست و به رؤیت درآمدن و جلب نظر کردن و خودنمائی نباشد ارزشی چندان نمی‌یابد. اگر اراده به دیده شدن و مشهور گشتن و در معرض نگاه دیگران قرار گرفتن نباشد تقریباً هیچ گناه بزرگ و جرم و جنایت و خیانتی رخ نمی‌دهد. حتی ارتکاب به جنایت هم آخرین روش دیده شدن برای مردان است همان‌طور که روسپی‌گری هم آخرین روش دیده شدن برای زنان بی‌عصمت است.

در اینجا آن کلام مطهر فاطمه زهرا^(س) بهتر درک می‌شود که عصمت زن را این‌گونه توصیف کرده است: ندیدن نامحرمان و دیده نشدن!

از این رو برترین دعائی که قرآن کریم به ما تعلیم داده است که: پروردگارا بر ما نظر فرما! بهتر فهم می‌شود زیرا انسان را از نگاه مردمان بی‌نیاز می‌سازد. کسی که خود را زیر نظر خداوند و ولی خدا نمی‌بیند خواه ناخواه تبدیل به موجودی جلوه‌گر و ریاکار و ریاست پرست و بی‌عصمت می‌شود که تمام هدفش از زندگی اینست که در چشم دیگران بیاید. و این محور تباهی زن است و جاننش را خانه شیاطین می‌سازد.

زن به لحاظ غریزی و براساس نفس اماره‌اش مظهر تمام و کمال اراده به دیده شدن تا سر حد پرستیده شدن است. و اگر این اراده را در خود مهار نسازد فقط در روسپی‌گری است که این اراده‌اش اغناء می‌شود زیرا فقط در آن نوع روابط است که پرستیده می‌شود: دیده می‌شود، برگزیده می‌شود و عاقبت پرستیده شده و گائیده می‌شود! و این داستان پایان می‌یابد تا مورد بعدی! غایت این دیده شدن به گائیده شدن است و نفرت! و بیهوده نیست که اهالی سینما فاسدترین قشر و صنف در جامعه جهانی هستند زیرا کل شغل و هنر و علمشان بر اراده دیده شدن متمرکز است.

زن بی عصمت و مدرن که در خانه آرام و قرار ندارد و زنانگی و همسریت و مادریت را مترادف نابودی خود می‌پندارد در بیرون از خانه جز در جستجوی دیده شدن و پرستیده شدن نیست و لذا امرار معیشت زن جز بهانه‌ای نیست و چه بسا رایگان کار می‌کند تا بیشتر دیده و پرستیده شود و غایت این دیده شدن و پرستیده شدنش در رختخواب است که محقق می‌گردد. و این راهی اجتناب‌ناپذیر است راهی که همه اهالی ریاست از آن راه‌گزینی ندارند: روسپی‌گری اشرافی! روسپی‌گری مدرن و حقوق بشری! روسپی‌گری فمینیستی! روسپی‌گری رایگان! و اینست معنای نهائی برابری زن با مرد!

و در نقطه مقابلش کلام خدا در قرآن کریم است که به اهل بیت (اهالی خانه) می‌فرماید که: ای زنان مؤمنه در خانه‌های خود آرام و قرار گیرید و از ارتباط با نامحرمان بپرهیزید و به ذکر و حکمت الهی مشغول شوید تا خداوند شما را پاک گرداند چه پاک کردنی!

و اینست زن به‌عنوان جمال فطرت‌الله! و یا زن به‌عنوان جمال شیطان و مظهر نفرت‌الله!

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۱/۰۳/۰۱